

هویت

سیاست هویت کنونی و مبارزه برای به رسمیت شناخته شدن

فرانسیس فوکویاما

مترجم: رحمن قهرمانپور

www.ketab.ir

سرشناسه	فوکویاما، فرانسیس، ۱۹۵۲-م
سرشناسه افزوده	Fukuyama, Francis
مشخصات نشر	قهرمانپور، رحمن، ۱۳۵۴-، مترجم
مشخصات ظاهری	تهران: روزنه، ۱۳۹۷.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۳۳۴-۸۹۳-۹
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبا
یادداشت	عنوان اصلی: [2018] Identity: the demand for dignity and the politics of resentment
عنوان دیگر	هویت: سیاست هویت کنونی و مبارزه برای به رسمیت شناخته شدن.
موضوع	مشارکت سیاسی -- جنبه‌های اجتماعی Political participation--Social aspects
موضوع	سیاست هویتی Idehntity politics
موضوع	هویت گروهی -- جنبه‌های سیاسی Group identity--Political aspects
موضوع	کرامت انسانی Dignity
موضوع	کین‌توزی Resentment
موضوع	دوقطبی کردن (علوم اجتماعی) -- جنبه‌های سیاسی Polarization (Social sciences)--Political aspects
موضوع	سیاست جهانی -- قرن ۲۱ م. World politics--21st century
رده‌بندی کنگره	JF ۷۹۹/۱۵۹
رده‌بندی دیویی	۳۰۱۹
شماره کتابشناسی ملی	۵۵۰۷۷۸



هویت

سیاست هویت کنونی و مبارزه برای به رسمیت شناخته شدن

فرانسیس فوکویاما

مترجم: رحمن قهرمانپور

حروف‌نگار: استلا اورشان

چاپ اول: ۱۳۹۸

قیمت: ۳۷۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی: واژه‌پرداز

آدرس: خیابان مطهری، خیابان میرزای شیرازی جنوبی، پلاک ۲۰۲، طبقه ۳، انتشارات روزنه

تلفن: ۸۸۵۳۶۳۱-۸۸۵۳۷۳۰ نمابر: ۸۶۰۳۴۳۵۹

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۴-۸۹۳-۹ ISBN: 978-964-334-893-9

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست

۷	یادداشت مترجم
۱۱	مقدمه
۱۹	فصل ۱: سیاست و کرامت
۲۷	فصل ۲: بخش سوم نفس
۳۹	فصل ۳: درون و برون
۴۹	فصل ۴: از کرامت تا دموکراسی
۵۳	فصل ۵: انقلاب‌های کرامت
۶۱	فصل ۶: فردگرایی بیان شونده
۶۹	فصل ۷: ملی‌گرایی و دین
۸۳	فصل ۸: نشانی غلط
۸۹	فصل ۹: انسان نامرئی
۹۹	فصل ۱۰: دموکراتیک شدن کرامت
۱۱۱	فصل ۱۱: از هویت تا هویت‌ها
۱۲۷	فصل ۱۲: ما مردم
۱۴۱	فصل ۱۳: داستان‌های مردم بودن
۱۶۱	فصل ۱۴: چه باید کرد؟
۱۷۹	یادداشت‌ها

یادداشت مترجم

لیبرال‌ها همواره بر این اعتقاد بوده‌اند که هویت مسأله مهمی در سیاست نیست، بلکه مسأله اصلی نیست. سیاست رفاه و بهروزی شهروندان و به طور مشخص رفاه اقتصادی آنهاست. اگر دولت‌ها بتوانند مشکل رفاه مردم را حل کنند، مسأله و مشکلی به نام هویت نیز حل خواهد شد. البته مسأله اصلی در سیاست نخواهد بود. لذا لیبرال‌ها در بُعد تجویزی توصیه می‌کنند دولت‌ها برای حل مشکلات هویتی سراغ اقتصاد و سیاست‌های اقتصادی بروند. استدلالی که آنها این است که هویت، به معنای تعریف انسان‌ها از خودشان و محیط پیرامونشان، نسبت بسیار اندکی تغییر می‌کند و لذا نمی‌تواند مسأله‌ای جدی باشد.

اما این رویکرد لیبرالی نسبت به هویت سال‌هاست که در معرض نقدها و چالش‌های جدی قرار دارد. منتقدان معتقدند هویت یک بار برای همیشه تعریف نمی‌شود و ثابت نیست، بلکه افراد و حتی جوامع و دولت‌ها تعریف از خودشان را مناسب با تحولات و اتفاقات بیرونی مورد بازبینی قرار می‌دهند. یعنی هویت پدیده‌ای است که مدام در حال ساخته شدن است. البته معنای این حرف آن نیست که افراد و جوامع هر هفته یا هر ماه هویت‌شان را بازتعریف کرده تغییر می‌دهند، بلکه صرفاً نباید هویت را ثابت تصور کرد. مسأله هویت (فردی - ملی) را نمی‌توان یک‌بار و برای همیشه فیصله بخشید. موضوع هویت فردی و مخصوصاً جمعی (ملی) همواره در معرض چالش‌های

متعدد قرار می‌گیرد. حتی در یک لیبرال دموکراسی باثبات نظیر آلمان، تعریف هویت آلمانی یا انسان آلمانی در سال‌های اخیر تغییر کرده است.

هویت با یکی از نیازهای دائمی انسان، یعنی نیاز به بازشناسی یا به رسمیت شناخته شدن از سوی دیگران و جامعه پیوند می‌خورد. وقتی هویت فرد یا گروهی انکار یا تحقیر می‌شود بدان معناست که موجودیت آن فرد یا گروه زیر سؤال می‌رود و پذیرفته نمی‌شود. چنین وضعیتی حتی اگر فرد در رفاه اقتصادی باشد برای او قابلاً محتمل نیست.

به زبان خیلی ساده خیلی از افراد در ازای رفاه اقتصادی از هویت خود دست بر نمی‌دارند. داستان آلمان سیاسی، ناسیونالیسم و گروه‌های ضد مهاجرت از اینجا آغاز می‌شود. آنها ریشه‌ها را بجای سر از سوی دولت‌های لیبرال دموکرات را دلیلی برای کنار گذاشتن هویت خود نمی‌انند، بلکه می‌گویند موجودیت و هویت ما مهمتر و اولی از رفاه است. این منطق و شیوه‌نگارش باعث چیزی شده است که سیاست هویت نامیده می‌شود؛ یعنی سیاستی که در آن مسائل اصلی نه رفاه یا ایدئولوژی، بلکه هویت (افراد و گروه‌ها) است. یعنی سیاست نه حول ارزش ثروت بلکه حول به رسمیت شناختن هویت‌ها شکل می‌گیرد.

فوکویاما دیرتر از منتقدان، اما زودتر از هم‌مسئله‌گرایان خود پی به اهمیت هویت در سیاست برده است. منتهی باید توجه کرد که این سخنچنان از منظر یک مؤمن به لیبرال دموکراسی به موضوع نگاه می‌کند و قویاً معتقد است لیبرال دموکراسی می‌تواند و باید برای مسأله هویت و به تعبیر فنی‌تر سیاست‌های چاره‌جویی بیندیشد. از نظر او راه چاره آن است که جریان چپ و لیبرال مثل دهه‌های گذشته هویت‌های کلان طبقاتی را نمایندگی نکنند. یعنی چپ نماینده قشر کارگر و لیبرال‌ها نماینده طرفداران اقتصاد آزاد باشد. در این صورت هویت‌های خرد مذهبی، قومی، جنسیتی و غیره اثرگذاری خود را تا حد زیادی از دست خواهند داد. بنابراین منظور وی از بازگشت سوسیالیسم آن است که سوسیالیست‌ها دوباره نماینده هویت کارگران شوند، نه آنکه بر طبل هویت‌های فردی، مهاجرتی، قومیتی، جنسیتی و زبانی بکوبند. فوکویاما از راست‌ها یا لیبرال‌ها هم می‌خواهد در قوانین اعطای تابعیت و شهروندی تجدیدنظر کرده، آموزش زبان رسمی به مهاجران را جدی بگیرند.

فوکویاما در این کتاب به صراحت نمی‌گوید که سیاست هویت از نشانه‌های زوال لیبرال دموکراسی است، اما از فحواى کلام او بر می‌آید که سیاست هویت هم می‌تواند مثل پدیده ویژه‌پروری (که در کتاب نظم و زوال سیاسی به تفصیل شرح داده است) تهدیدی جدی متوجه نظم برآمده از لیبرال دموکراسی کند. برآمدن ترامپ و رأی به خروج بریتانیا از برگریت فوکویاما را نگران آسیب دیدن لیبرال دموکراسی از جانب سیاست هویت کرده است.

ناسیونالیست‌ها، اسلام‌گرایان سیاسی، طرفداران رادیکال چندفرهنگ‌گرایی و برخی گروه‌های دیگر کسانی هستند که از نظر فوکویاما تهدیدی برای لیبرال دموکراسی و ارزش‌ها و کارآمدی آن هستند.

کتاب هویت فوکویاما را می‌توان از یک منظر تلفیقی از دو کتاب پایان تاریخ و نظم و زوال سیاسی او دانست، ولی همانطوری که خود او هم می‌گوید کتاب نظم و زوال سیاسی جاگاه ویژه و محوری در آثار او دارد و لذا سعی کرده است همین کتاب را محور کار خود قرار دهد. پیر تاریخ را از این منظر مجدداً تفسیر کند. یعنی او معتقد است سیاست هویت از سه دهه پیش می‌تواند چالشی جدی برای نظم لیبرال و لیبرال دموکراسی باشد. فوکویاما در اثبات این نظر باز هم به هگل و تفسیر او از اصطلاح Recognition مراجعه می‌کند، که منظور از آن نیاز درونی و دائمی انسان برای به رسمیت شناخته شدن است. دیگران است. فوکویاما می‌پذیرد که لیبرال دموکراسی برخلاف وعده‌های اولیه، نتوانسته است همه شهروندان را یکسان و برابر به رسمیت بشناسد و لذا در کنار نابرابری اقتصادی شاهد نابرابری هویتی بوده است و طرفداران سیاست هویت از این امر بهره‌برداری به یک معنا سوءاستفاده کرده‌اند. لیبرال دموکراسی‌ها برای مقابله با این چالش در واقع جهت مقابله با زوال سیاسی باید مانع این امر شده، برای سیاست هویت چاره بیندیشند.

آنچه فوکویاما در این کتاب آورده است آیا فقط به کار جهان غرب می‌آید یا در شرایط کشور ما نیز نکاتی برای گفتن دارد. برخی از مهمترین تحولاتی که ما آنها را به دلایلی درست کاملاً بومی به حساب آورده‌ایم وقتی از چشم‌اندازی کلان‌نگریسته می‌شوند معلوم می‌شود از جریان‌های مهم شکل گرفته در سراسر جهان پیروی کرده‌اند. یک نمونه مهم موج سوم دموکراسی است که سامونل هانتینگتون وقوع

آن را پیش‌بینی کرد. این موج در نیمهٔ دهه ۱۹۷۰ آغاز شد و طی چند دهه تعداد دموکراسی‌ها را از ۳۵ مورد به بیش از ۱۱۰ مورد رساند. انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ به پیروزی رسید. نمونهٔ دیگر موج جدیدی است که از نیمهٔ دوم دهه ۲۰۰۰ در جهت افول دموکراسی در جهان شکل گرفت.

فوکویاما پیش‌بینی می‌کند که سیاست هویت‌پیشرانۀ اصلی برای بسیج‌های مردی پس از این خواهد بود، و پیش‌بینی او در این مورد صرفاً محدود به جهان غرب نیست. آیا ممکن است در آینده نزدیک سیاست هویت به فضای سیاست ایران نیز سرایت کند؟ ما پاسخ این سؤال را به درستی نمی‌دانیم، اما جا دارد در مورد آن بیندیشیم.

فهم آثار فوکویاما در ایران همواره با کاستی‌هایی همراه بوده است، حال آنکه به نظر می‌رسد او سه‌هزارهٔ نظریه‌پردازان می‌نویسد و آشکارا نظراتش را بیان می‌کند. او در هر نگرش، یک متن، جسور و نواندیش است و همین جذابیت آثار او را در دنیا و ایران دوچندان کرده است. در جسارت او همین بس که از پایان تاریخ به نظم و زوال سیاسی و سیاست هم‌تاریخ دیده است - موضوعاتی که بسیاری از لیبرال‌ها از جمله در ایران جسارت پردازان به آنها را ندارند. امید که ترجمه آخرین اثر فوکویاما در فهم نظرات وی، خاصه دربارهٔ این منطقه مؤثر و مفید واقع شود.

رحمن قهرمانپور

بستان ۱۳۹۸